



۱۰

نیم قرن بعد از جلال

هنرمندان موسیقی از تأثیر ماه محرم و نواهای این ماه بر زندگی هنری شان می گویند

نوبت محرم شد

۱۲

سوغاتی ماندگار مظفرالدین شاه



۱۱

فرهنگ

شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۷۷



بازدید هفته

تعزیه، ثروت بزرگ فرهنگ ایرانی

این روزها خانه هنرمندان ایران میزبان برگزاری نمایشگاه «به روایت نسخه خوانان» است؛ نمایشگاهی که به همت خانه تئاتر و براساس پژوهش‌های رضا کوچک‌زاده فعالیت خود را آغاز کرده تا تعزیه را به عنوان یک هنر ایرانی در گذر زمان مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

این نمایشگاه که تا بیست و ششم شهریور برپا خواهد بود، میزبان سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. صالحی پس از بازدید از به روایت نسخه خوانان اظهار کرد: تعزیه در عصر قاجار قدرت و قوتی داشته که از دانشی سه‌گانه نشأت می‌گرفت. دانشی که در ترکیب قوت در هنر نمایشی، عمق در دانش دینی و تسلط بردانش ادبی ریشه داشت. تعزیه ایرانی اگر بخواهد استمرار پیدا کند باید این ترکیب را همچنان داشته باشد.

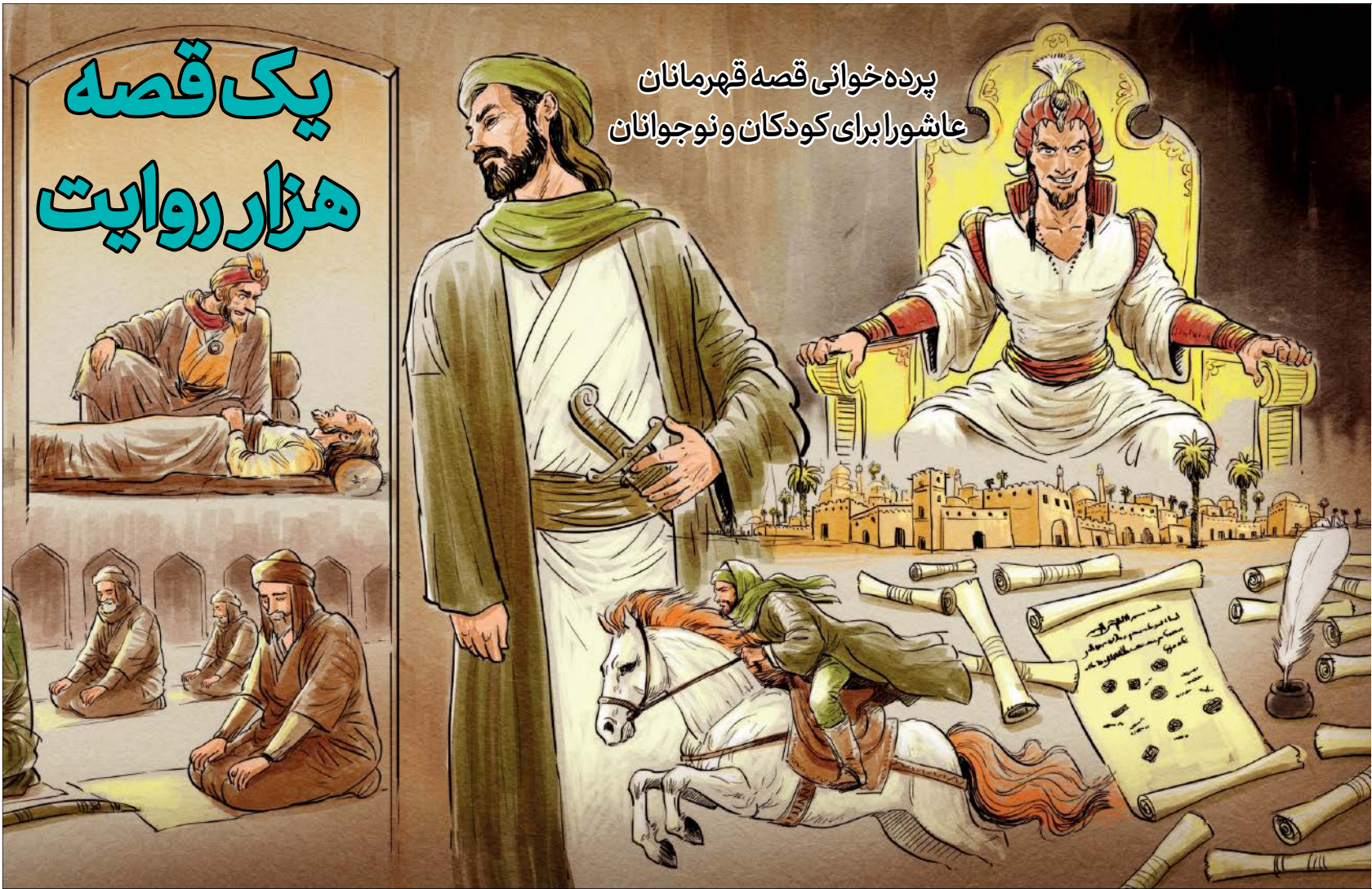
او برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی را یادآوری میراث بزرگ فرهنگ کشورمان دانست و گفت: گاهی



باید دارایی‌های خود را در معرض دید عموم بگذاریم، چرا که تا وقتی در مخازن هستند قدرت ارتباط با آن وجود نخواهد داشت، نمایشگاه‌هایی از این قبیل دارایی‌هایمان را به ما نشان می‌دهد.

صالحی همچنین افزود: این نمایشگاه‌ها سبب برقراری ارتباط نسل جدید با دستاوردهای نسل‌های گذشته خواهد شد، تا زمانی که در یک فضای آکادمیک و پژوهشی در حال تحقیق و پژوهش روی این گنجینه‌ها هستیم تنها یک مجموعه آکادمیک با آن در ارتباط خواهد بود اما چنین نمایشگاه‌هایی امکان دستیابی دیگر اقشار را نیز با این دستاوردها فراهم می‌کند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره نحوه حمایت وزارتخانه ارشاد از برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی گفت: امیدواریم بتوانیم فرصت برگزاری این نوع نمایشگاه‌ها را از تهران به شهرهای دیگر منتقل کنیم. به جز این برگزاری این دست نمایشگاه‌ها در استان‌ها، درگیر کردن تعزیه‌خوان‌ها و تعزیه‌گردان‌ها با این نمایشگاه می‌تواند به آنها نگاهی عمیق بخشد و آنها را نسبت به راهی که در پیش دارند، قوی‌تر کند.

پرده خوانی قصه قهرمانان عاشورا برای کودکان و نوجوانان



این طرح‌ها از محمد رضا دوست محمدی کشیده‌اند



یک قصه هزار روایت

شنبه‌ترین جمعه دنیا

فکرش را بکنید! تحریریه از یکشنبه هفته گذشته تعطیل بود تا دیروز! التفات دارید! بگذریم از این‌که بعضی از عناصر تحریریه از جمله همین محمدصادق خان علیزاده مخالف بودند و چوبش را هم حسابی خوردند ولی در هر روی، چرخ تقدیر را حساب آن شد که از یکشنبه تا امروز خبری از کاغذ اخبار فخمیه جام‌جم نباشد. اینها همه به کنار حالا تصور کنید این جماعت که از یکشنبه رفته‌اند پی زندگی خودشان، حالا باید بعد از پنج روز تعطیلی راهی محل کار شوند. این‌گونه بود که جمعه، دیروز برای اهالی ساختمان جام‌جم در بلوار میرداماد تهران تبدیل شد به شنبه‌ترین جمعه دنیا و باید با جرتغیل کشانده می‌شدند سرکار! البته از حق نگذریم همان‌هایی که با تعطیلی مخالف بودند جزو اولین نفراتی هم بودند که پشت میز و رایانه‌شان نشستند و مشغول شدند.

و اما بعد... در این يك هفته‌ای که نبودیم حسابی گرد و خاک بلند



شد. بماند که بعضی از این سوزه‌ها ربطی به فرهنگی نداشتند اما پر یکی‌شان به پر صفحات فرهنگی هم خورد و طبعاً شما هم انتظار ندارید که اتفاقی در عالم فرهنگ و هنر افتاده باشد که در صفحات فرهنگی جام‌جم چیزی راجع به آن نخوانید. همین هم باعث شد تا علیزاده که اتفاقاً جزو اولین نفرات حاضر در تحریریه بود، برود سر وقت حواشی دو سه روز اخیر صبا‌کمالی و اهانتی که به امام حسین (ع) شد و خون خیلی‌ها را جوش آورد. علیزاده که برای نوشتن گزارش حسابی وقت گذشته و اینستاگرام و کانال تلگرامی خانم بازیگر را شخم زده به یافته‌های جالبی دست پیدا کرده؛ یافته‌هایی که احتمالاً شما را ککلی می‌کند تا در مورد ادعای خانم بازیگر و نمایشنامه بودن یا نبودن مطلب مورد اشاره به درک دقیق‌تری برسید. این گزارش را همین‌کنار در همین صفحه بخوانید!

آذر مهاجر دیگر روزنامه‌نگار گروه هم رفته سراغ سوزه جالبی که می‌تواند برای خیلی‌های دیگر هم ایده جالبی باشد. قصیه از این قرار است که منصوره مصطفی‌زاده از همکاران روزنامه‌نگار که مدتی است به حوزه کتاب و ادبیات کودک و نوجوان ورود کرده، ایده جالب پرده‌خوانی عاشورا را برای به‌جا کلید زده و خودش هم اجرای آن را به عهده گرفته. مهاجر هم که منتظر سوزه است کانه قرقی سراغ این سوزه رفته و راجع به آن حرف زده. اگر شما هم به اندازه ما انگیزه پیدا کرده‌اید که ببینید مهاجر چه کرده، ورق بزنید و بروید صفحه ۱۰. در صفحه ۱۲ هم گزارشی داریم درباره بعضی از اهالی موسیقی و نگاهی که به محرم دارند و تأثیری که از این ماه گرفته‌اند و در کارهایشان دیده می‌شود. دوستان از اتفاق فرمان اشاره می‌کنند که جا نداریم. تا فردا!

ادعای صبا‌کمالی درباره بی‌سواد خواندن منتقدانش چقدر درست است؟

نیچه، ژيان، پیشی ناز و دیگران

بحث درباره اظهار نظر اخیر صبا‌کمالی آن هم در دهه اول محرم که افکار عمومی را جریحه‌دار کرده در گروه‌های تلگرامی بالا گرفته. بازنگری که هرچند در صفحه اینستاگرامش مدعی اشتغال در سینما و تئاتر است، اما در يك دهه اخیر در هیچ‌کدام از این دو حوزه حضور مهمی نداشته و اگر نبود سریال پس از باران و کیف انگلیسی شاید خیلی‌ها او را به چهره هم نمی‌شناختند. یکی از همکاران سینمایی‌مان با اشاره به مواضع قبلی خانم بازیگر عقیده دارد که برجسته کردن هنرمندان در افکار عمومی اشتباه است. او که دو دهه است با ریز و درشت هنرمندان در ارتباط است و از جزئیات زندگی شغلی و شخصی آنها مطلع، در ادامه در دفاع از استدلال خودش می‌گوید برجسته کردن این افراد باعث می‌شود که يك جای کار، گند قصیه بزند بیرون و این خدشه به افکار عمومی وارد می‌شود. هرچند دیدگاه همکار خبرنگارمان بدون بهره از حقیقت نیست، اما به این فکر می‌کنم که مگر می‌شود تن به نظام رسانه‌ای مدرن داد، ولی اقتضائات آن را نپذیرفت؟ ستاره یا سلبریتی بودن یکی از اقتضائات مهم رسانه‌ای مدرن است، چه آن را قبول داشته باشیم چه نداشته باشیم، این وسط اما يك حلقه مفقوده وجود دارد. زمانی که ستاره‌ها به خاکی می‌زنند چه باید کرد؟! اصلاً شاید پاسخ این سوال را بشود در افزایش سواد رسانه‌ای مخاطب یافت. این که وقتی يك ستاره سخنی می‌گوید، مخاطب به صرف ستاره بودن آن نپذیرد و از موضع منفعّل با موضوع برخورد نکند و خودش بتواند در مورد درست یا غلط بودن اظهار نظر آقا یا خانم ستاره، موضع داشته باشد. اجمالاً در راستای همین موضوع سری زده‌یم به صفحه اینستاگرام و کانال تلگرامی صبا‌کمالی. نیم‌نگاهی به پست‌های این بازیگر کم‌کار شاید نشان بدهد با چه فردی و از چه سطح و درجه‌ای از فکر و اندیشه طرف هستیم.



محمدصادق علیزاده
ادبیات و هنر

اینستاگرام بازی

«بازیگر سینما و تئاتر، کارآفرین، عاشق ایران و مردمش». این عبارتی است که در صفحه اینستاگرام خانم بازیگر به چشم می‌خورد. بالاتر از این عبارات فارسی، عبارت دیگری هم به انگلیسی نوشته شده که نشان می‌دهد صفحه رسمی صبا‌کمالی است. صفحه کمالی تقریباً ۶۳ هزار دنبال‌کننده دارد که احتمالاً بخشی از آنها مربوط به روزهای اخیر و پستی است که یکی دو روز قبل منتشر کرد و خشم بسیاری از کاربران را برانگیخت. خشم کسانی که کمالی در سر صفحه‌اش خودش را عاشق آنها معرفی کرده است. کمالی در پستی که البته حالا آن را حذف کرده در قالب يك گفت‌وگو که خودش آن را يك فرم نمایشنامه‌نویسی معرفی می‌کند مطالب ناشایست و توهین‌آمیزی خطاب به امام حسین (ع) طرح می‌کند.

کمالی بعد از اعتراض‌ها، پست مزبور را حذف کرد و سه پست دیگر منتشر کرد تا به زعم خودش بتواند اقدام قبلی را جبران کند. با این حال حجم واکنش‌های کاربران آنقدر شدید و زیاد بود که او مجبور شد قسمت نظرات هر سه پست آخر را ببندد. کاربران اما ناراحت‌تر از آن بودند که از اعتراض صرف‌نظر کنند. همین هم باعث شد که اگر به پست‌های قدیمی‌تر مراجعه کنید با نظرات متعددی مواجه می‌شوید که سعی کرده‌اند صدای اعتراض‌شان را به اقدام اخیر خانم بازیگر برسانند. اولین پستی که قسمت نظرات آن باز مانده تا الان ۳۷ هزار کامنت را در خودش جای داده است. يك کاربر خانم در اعتراض به کمالی نوشته: «واقعاً متأسفم برای هنرمندانهایی مثل شما که هنوز یاد نگرفتی اگر اعتقاد به چیزی نداری حداقل احترام بگذاری به اعتقاد عده‌کثیری از مردم کشور و این طوری تو شبکه‌های اجتماعی هتاک می‌بی‌ادبی نکنی!» فارغ از کنجکاو درباره این که مردم در اعتراض به کمالی چه نوشته‌اند، مرور و بالا و پایین کردن پست‌های صفحه اینستاگرام او هم خالی از لطف نیست: پوستر تبلیغاتی برای يك همایش توانمندسازی در شهر ساری، تصویر حیوانی که میان گوسفندان گیر افتاده و راه فراری ندارد و کمالی آن را نمادی از وضعیت هدایت ایرانی‌ها می‌داند، ویدئویی از رالی خودروهای ژيان در قبل از انقلاب در تخت جمشید، تک جملات مبنی‌مالیستی از امیل زولا و نیچه و امثالهم، تصویر آرامگاه کوروش و تبریک روز تولدش، ویدئویی از تام و جری و دعوت مخاطبان به این‌که در ازدواج در پی همسر هم‌سنگ و هم‌شان خودشان باشند و ... اینها شاید به خوبی بتواند فضای حاکم بر صفحه شخصی فردی را نشان دهد که مطلب توهین‌آمیزش را نوعی گفت‌وگوی خیالی در قالب يك نمایشنامه توصیف کرده است. ادعایی که البته مورد پذیرش کاربران قرار نگرفته است.

تلگرام بازی

واقعیتش را بخواهید اگر یکی از پست‌های این کانال تلگرامی برایتان فوروراد شود و ندانید این کانال متعلق به چه کسی است یا تحت نام چه کسی فعالیت می‌کند احتمالاً با خودتان فکر می‌کنید یکی پیدا شده و با یکی کردن پست‌های کانال‌هایی مانند گیزمیز یا خنده‌پاره به دنبال جذب مخاطب است. این همان حدسی است که ما هم زده‌یم و با خودمان گفتیم حتماً یکی پیدا شده تا از اسم و نام صبا‌کمالی سوءاستفاده کند و برای خودش بساط و بازار راه بیندازد. باید اما به عرض‌تان برسانیم که این فرض ما و شما اشتباه است. نشان به آن نشان که خانم بازیگر سینما و تئاتر و کارآفرین تصویری از يك گریه در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده و برایش توضیح داده «این پیشی کنجکاو و ناز منتظره شما رو در تلگرام ملاقات کنه». آدرسی هم که در کنار این پیشی ناز و کنجکاو دکر شده مربوط به همان کانالی است که در سطرهای ابتدایی توضیفش کردیم. کانال خانم بازیگر به اندازه صفحه اینستاگرامش مخاطب ندارد. حدود ۵۰ نفر! خوب ما به نیابت از شما کمی در این کانال بالا و پایین رفتیم و حالا اندکی از مشاهدات‌مان را با شما به اشتراک می‌گذاریم. اجمالاً اما باید بگویم فضا همان فضایی است که در صفحه اینستاگرام هم تجربه‌اش کردیم. یکی از پست‌های مربوط به اسب سفیدی است که توسط جماعت زیادی عزادار احاطه شده. در توضیح این تصویر نوشته شده «این اسب معروف بوده که در روز عاشورا گریه می‌کنه و از همه جای ایران به زیارتش می‌رفتند. بعداً پلیس می‌فهمه صاحبش شب جلوی چشمش جوشکاری می‌کنه و فردا این زبون بسته از چشم‌اش اشک میاد!» در پست دیگری در همین کانال تصویر يك مرد سیاهپوست را می‌بینیم و در کنارش هم تصویر بزی که تور عروس روی سرش گذاشته‌اند. در توضیح این تصویر هم چنین می‌خوانیم: «مرد سودانی که در حال سوءاستفاده از بز همسایه دستگیر شد توسط دادگاه محکوم به پرداخت ۱۵ هزار دینار به همسایه به عنوان مهریه و ازدواج با بز شد». جملات و نقل قول‌های مبنی‌مالیستی از جمله مواردی بود که در صفحه اینستاگرام خانم بازیگر به چشم می‌خورد. اینجا در کانال تلگرامی هم مواردی از این دست به چشم می‌خورد. همچنین در توضیح تصویر دیگری از يك نقاشی قدیمی، صاحب کانال چنین نوشته است: «پادشاهی خروج باد شکم را ممنوع کرده بود! از او پرسیدند چرا این کار را ممنوع کردی؟! گفت تا ملت سرگرم آزادی آن هستند آرزوی بزرگ‌تری را دنبال نخواهند کرد!»

خب که چی؟

بیا باید يك بار دیگر اتهاماتی که صبا‌کمالی حواله منتقدانش کرده را با هم مرور کنیم: «به علت کج‌فهمی، بی‌سوادی، متعصب بودن بدون تفکر و اطلاع نداشتن از اصول نمایشنامه‌نویسی نسبت‌های بس ابلهانه به من زدن و منو بدون اعتقاد معرفی کردند. به این علت گفت‌وگوی تخیلی و صمیمانه خودم با امام حسین (ع) را برداشتم. در نمایشنامه ما با خدا جدل می‌کنیم و حتی دعوا. این‌که دیگران امامان رو از خدا بالاتر می‌دونند، خودشون میدونند چرا!» خب اجازه بدهید ما دیگر ادامه ندهیم. باتوجه به فضایی که از اینستاگرام و کانال تلگرامی خانم کمالی دیدیم، این‌که ادعای استفاده از تکنیک‌های هنری و نمایشنامه‌نویسی چقدر محلی از اعراب دارد به عهده خودتان!

